



برخی روان پزشکان ایرانی "شخصیت منزوی" را به عنوان بهترین ترجمه، به جای "شخصیت" اسکیزوئید (Schizoid) پیشنهاد کرده اند، چرا که مبتلایان به این اختلال، عمری را در کناره گیری از اجتماع گذرانده اند و در نظر دیگران آدم هایی مردم گریز، منزوی و تنها هستند. (1) مطالعات آماری در ایالات متحده آمریکا، احتمال این که از هر 100 آمریکایی، حدود 7 نفر مبتلا به این اختلال باشند را مطرح کرده است که دلالت بر شیوع بالای آن دارد.

مبتلایان به این حالت بیشتر مشاغل انفرادی که حداقل تماس با دیگران را ایجاب می کند، انتخاب می کنند و حتی برخی کار شبانه را به کار روزانه ترجیح می دهند تا مجبور به مدارا با افراد بیشتری نباشند.

این افراد آرام، مردم گریز، درون گرا و غیر اجتماعی هستند و ضمن کناره گیری و عدم دخالت در امور روزمره، به

دیگران چنان اهمیتی نمی دهند و شاید اگر مختصر ذوق ادبی هم داشته باشند، با برداشتی سطحی از این بیت مشهور عارفانه، پیوسته زمزمه می کنند:

دلا خوکن به تنهایی که از تن ها بلا خیزد سعادت آن کسی دارد که از تن ها پرهیزد

همین وضعیت آنهاست که باعث می شود، غیر از بستگان درجه یک، دوستان نزدیک یا محرم خاصی نداشته باشند و علاوه بر آن هیچ میلی نیز برای ایجاد روابط نزدیک با دیگران در خود احساس نکنند.

روش های مورد استفاده در روان پزشکی امروز، برای درمان این عارضه اعم از روان درمانی، گروه درمانی و یا حتی دارو درمانی، به خصوص در شرایط و امکانات کشور ما چندان عملی و کاربردی نمی باشند. اما چنانچه در پیشگیری یا درمان این اختلال شخصیتی، روش عملی بی نظیری را جویا باشیم، کلمه درخشان "نماز" باز هم راه گشا خواهد بود.

توصیه مؤکد اسلام مبنی بر اقامه نمازهای واجب یومیّه به جماعت و علاوه بر آن، بانگ روح افزای نماز جمعه در فرا خواندن به یک اجتماع شکوهمند و پر شور هفتگی به عنوان سمبل بزرگی از اصالت "اجتماعی بودن" و ترک رهبانیت در همه تعلیم اسلامی مطرح اند و گویی همه این قبیل تعلیم، خود به خود نمازگزار را از گوشه نشینی و تنهایی، به بطن اجتماع می کشاند.

به علاوه، نکته مهم دیگری که در آموزش های متعالی نماز در زدودن روحیه انزوا و مردم گریزی در انسان، خودنمایی می کند، این مطلب است که فعل های موجود در سوره مبارکه "حمد" (به عنوان "ام الکتاب" و هسته اصلی نماز و تعلیم اسلامی)، همه به صورت جمع ادا می شوند: (ایاک نعبد و ایاک نستعین، اهدنا صراط المستقیم)

به قول استاد ارجمند، جناب آقای "دکتر حسن توانایان فرد" در کتاب ارزشمند "بهره وری در آموزش های نماز": این که "نعبد" می گوئیم و نه "اعبد" و این که "نستعین" می گوئیم و نه "استعین"، به عبارت دیگر این که می گوئیم "می پرستیم" و نه "می پرستم" و می گوئیم "کمک می جوئیم" و نه "کمک می جویم"، یعنی ضمیر جمع به کار رفته و نه ضمیر متکلم وحده، به این دلیل است که به ما بیاموزد، در اسلام، جمع مقدم بر فرد است. (2)

این مطلب، یعنی وجود ضمائر جمع و تکرار "ما بودن" و نه "من بودن" در جای جای نماز عمومیت دارد و در اساسی ترین اذکار نماز به چشم می خورد؛ مثلاً در سلام دوم نماز می گوئیم: (السلام علینا و علی عباد الله الصالحین) و یا حتی در معروف ترین دعاها مستحب در قنوت، دعا می کنیم: (ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الاخره حسنه و قنا عذاب النار)

نماز نه تنها از ابتلا به اختلال اسکیزوئید پیشگیری می کند، بلکه توانایی آن را دارد که مبتلایان به این عارضه را برای همیشه از کنج عزلت، به قلب جامعه بکشاند.

پی نوشت ها:

(1) مطالب علمی این مقاله از ترجمه فارسی کاپلان - سادوک جلد سوم صفحات 275-278 گرفته شده است.

(2) بهره وری در آموزش های نماز، صفحه 162

نویسنده : دکتر مجید ملک محمدی - تبیان